جستار

منافعی که از عضویت پیمان شانگهای به دست می‌آید

ادامه از صفحه اول / در سال ۲۰۰۵ هم بین دولت چین و روسیه (ماموریت صلح ۲۰۰۵) به عنوان نخستین مانور نظامی مشترک به اجرا درآمد. در پی این مانور هند هم متقاضی شرکت در مانورهای نظامی بعدی با اهداف پیش‌گفته شد تا بتواند در مقابل تندروی گروه‌های افراطی آمادگی لازم را داشته باشد. نتیجه چنین درخواستی منجر به مانور نظامی کشورهای عضو همکاری شانگهای در سال ۲۰۰۷ با شرکت بیش از چهارهزار سرباز چینی در داخل کشور روسیه در اطراف کوه‌های اورال، مرز طبیعی جغرافیایی آسیا و اروپا شد. مانوری که کشور چین را قادر ساخت سربازان خود را به درون خاک روسیه در منطقه مرزی بین روسیه و قزاقستان و قرقیزستان بفرستد. اهداف اصلی سازمان همکاری شانگهای با بیش از چهار میلیارد جمعیت همکاری اقتصادی و افزایش سطح بازرگانی بین کشورهای عضو می‌باشد که توافقنامه همکاری اقتصادی کشورهای عضو از سال ۲۰۰۳ بر همین مبنا امضا شده است. اما اهداف همکاری اقتصادی کشورهای عضو هدف دیگری هم دارد و آن تشکیل منطقه آزاد تجاری می‌باشد که تا کنون محقق نشده است. اگر چنین منطقه آزادی شکل گیرد، بیش از نیمی از جمعیت جهان در پیمان اقتصادی مشترکی به بزرگترین قدرت اقتصادی جهان تبدیل خواهد شد. مهمترین اهداف سازمان اجرای پروژه‌های مشترک بین اعضا، در زمینه‌های مختلف خصوصا انرژی می‌باشد. پروژه‌هایی که شامل کشف، استخراج، بهره‌برداری از حوزه‌های نفت و گاز و مهمتر از همه استفاده مشترک اعضا از منابع آب شیرین می‌باشد که در آینده جهان با کمبود آن روبه‌روست. اگر اعضا بتوانند شورای مشترک بانکی بین کشورهای عضو سازمان را که از اهداف اولیه آن می‌باشد، محقق سازند، قادر خواهند بود سرمایه مورد نیاز کشورهای عضو در اجرای پروژه‌های مشترک سازمان همکاری شانگهای را فراهم کند. اتفاقی میمون که سیطره دلار و یورو در معاملات بین اعضا را به نفع پول‌های ملی از بین خواهد برد. اهمیت نفت و گاز در پیشرفت‌های اقتصادی کشورهای عضو سران این کشورها را از سال ۲۰۰۷ پیرامون این مهم درگیر کرد که تشکیلاتی تحت عنوان (باشگاه انرژی) ایجاد کند. البته این باشگاه انرژی در مقابل اوپک نخواهد بود. این باشگاه می‌تواند قدرت و توان اقتصادی و نفتی در جهت منافع اعضا را تامین کند. پیمان شانگهای بزرگترین تولید کننده انرژی در جهان و اتفاقا بزرگترین مصرف‌کننده انرژی نیز در جهان می‌باشد. مساحت کشورهای عضو یک چهارم سطح خشکی جهان و بیش از نیمی از جمعیت جهان در همین یک چهارم خاک زندگی می‌کنند. جمعیتی به‌ویژه افزایش که هم تولیدکننده هم مصرف‌کننده می‌باشد. با توجه به اساسنامه سازمان همکاری شانگهای که تکیه بر بی‌طرفی نظامی دارد، می‌تواند مهمترین موازنه‌دهنده در مقابل پیمان ناتو باشد. پیمانی که بیشترین هزینه نظامی را کماکان در جهان به خود اختصاص داده است. به همین اعتبار سازمان همکاری شانگهای از آمریکا خواسته است که پایگاه و نیروهای نظامی خود را از خاک تمام کشورهای عضو خارج سازد. به همین اعتبار کشور قرقیزستان رسما درخواست تعطیلی پایگاه هوایی نظامی کی ۲ را به کشور آمریکا داد که عملا باعث تعطیلی این پایگاه شد. سازمان همکاری شانگهای در اجلاس تاشکند در سال ۲۰۱۰ ضوابط جدیدی را تصویب کرد که براساس آن (کشور خواهان عضویت در این سازمان) نباید تحت هیچ گونه تحریمی از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد باشد. متاسفانه ایران در این سال‌ها، با تندروی‌های دولت احمدی‌نژاد با شش قطعنامه تحریمی شورای امنیت روبه‌رو بود. ایران تا سال ۲۰۱۵ که تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل با امضای برجام در بی شش قطعنامه فصل هفتمی منشور ملل برداشته شد، عملا نمی‌توانست عضو اصلی باشد. چون برابر ضوابط جدایت تاشکند در سال ۲۰۱۰ عضو اصلی نباید مورد تحریم شورای امنیت واقع می‌شد. پس از آنکه تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل در سال ۲۰۱۵ با امضای برجام برداشته شد، موانع دیگری پیش پای ایران گذاشته شد. بعضی از اعضا مانند تاجیکستان که در اجلاس اخیر به شدت از عضویت ایران حمایت کرد، در این سال‌ها علیه ایران و عضویت دائمی ان فعالیت می‌کرد و علت آن را در حمایت ایران از گروه‌های اسلام‌گرای تاجیک عنوان می‌کرد. از سال ۲۰۱۵ تا امسال که ایران به عضویت پذیرفته شد، اتفاق مهم دیگری هم در تعداد اعضای اصلی سازمان داده شد. عضویت دو کشورمهم هند و پاکستان مورد توافق اعضا قرار گرفت وهمین وزنه ایران را با توجه به روابطش با هند و تا اندازه‌ای پاکستان قوی ساخت. کشورهای چین، روسیه و هند و اخیرا تاجیکستان به جدّ به نفع ایران وارد عمل شدند. گفتنیم که پروسه عضویت حداقل دو سال طول می‌کشید و ایران طی پنج سال گذشته همه مساعی خود را به کار برد تا خرین مانع یعنی تاجیکستان که مخالف سرسخت عضویت ایران بود را با خود همراه کند. حضور آقای رئیسی در اجلاس دوشنبه به عنوان اولین سفر خارجی رئیس‌جمهور جدید ایران و استقبالی که در تاجیکستان از ایشان شد، آخرین مانع را برطرف کرد و ایران به عضویت دائمی سازمان همکاری شانگهای درآمد. اما زیرساخت‌های ایران خصوصا کریدور زمینی و ریلی شمال و جنوب کشور طی این سال‌ها تکمیل نشد و با تاسف شرایط ما مهیای همکاری همه جانبه با کشورهای اصلی عضو فراهم نیست که باید در این راستا، به راه‌های زمینی و ریلی شمال و جنوب خصوصا ارتباط بندر چابهار تا مرزهای شمالی به ترکمنستان و تاجیکستان و قرقیزستان توجه ویژه داشته باشیم تا بعد از سال‌ها به اهمیت جغرافیایی ایران که تنها راه ارزان، کوتاه با مرزهای ایی جنوب و وصل آن به مرزهای شمالی کشور که کشورهای عضو پیمان شانگهای بتوانند از آن استفاده کنند، توجه کامل داشته باشیم. موقعیت جدیدی پیش پای ایران است تا بتواند جاده ابریشم جدید چین را تکمیل کند هرچند نا‌آرامی‌های افغانستان در شرایط جدید حاکم بر این کشور حلقه زنجیر را در ابریشم را فعلا ناتمن کرده است. مگر اینکه چین بتواند با طالبان حداقل در این زمینه به تفاهم برسد در آن صورت ایران در گرانبهایی در حلقه وصل شمال و جنوب کشورهای پیمان شانگهای خواهد بود.

معصومه ابتکار در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

ما مثل شما دولت را تخریب نمی‌کنیم

- حالا بهانه‌ای ندارید؛ گرچه نگذاشتید مردم ثمره شیرین تلاش دولت روحانی را بچشند
- برای حذف زنان از چرخه مدیریت کشور نگرانیم
- از مدعیان مسلمانی چنین رفتارهایی بعید بود
- برای تخریب دولت روحانی همه خطوط قرمز شکسته شد
- باید در پله چهل و سوم قرار داشته باشیم نه پله اول
- گاندوسازان علیه تیم مذاکره کننده‌ای هجمه وارد می‌کردند که مورد حمایت رهبری بود
- پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان در آینده قوی‌تر خواهد شد
- مخالفان دولت روحانی در دولت رئیسی ادعاهای خود را اثبات کنند
- تسلط رسانه‌های خارجی روی افکار عمومی بی‌سابقه است
- هشت سال سخت را پشت سر گذاشتیم

عکس: آرمان‌ملی/ فاطمه فتاحی

آرمان ملی- احسان انصاری: معصومه ابتکار از جمله محدود افرادی است که هشت سال دولت سید محمد خاتمی و حسن روحانی را درک کرده و در همه این سال‌ها عضو دولت بوده است. وی که اولین زنی است که در جمهوری اسلامی معاون رئیس جمهور شده است در دولت اصلاحات رئیس سازمان محیط زیست و در دولت اول روحانی در همین سمت و در دولت دوم معاون زنان و خانواده بود. به همین دلیل وی به خوبی می‌تواند به چالش‌ها و موانع پیش روی دولت روحانی اشاره کند. موانعی که دولت روحانی را تحت فشارهای شدیدی قرار داده بودند و عملکرد آن را به شکلی تفسیر می‌کردند که متناسب به دغدغه‌های مردم نباشد. «آرمان ملی» برای بررسی شرایط هشت سال دولت حسن روحانی با دکتر معصومه ابتکار گفت‌وگو کرده است. ابتکار در این گفت‌وگو به مهم‌ترین چالش‌های دولت روحانی می‌پردازد که بیشتر توسط جریان مخالف صورت گرفت و شرایط را برای دولت روحانی سخت کرد. در ادامه ما حصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

هشت سال در دولت آقای روحانی حضور داشتید و با فراز و نشیب‌های زیادی مواجه بودید. این هشت سال برای شما چگونه سپری شد؟

خدمت کردن در دولتی که با رأی بالای مردم سر کار آمده بود باعث افتخار است. ما تلاش کردیم در طول این هشت سال با مردم صادق باشیم و در راستای مطالبات و وعده‌هایی که دولت به مردم داده بود حرکت کنیم. البته کمبودها و نقصان‌ها بخشی از کار اجرائی است و هیچ دولتی نمی‌تواند مدعی شود به همه وعده‌هایی که به مردم داده عمل کرده است. کار اجرائی همواره با عیب و نقص همراه بوده و این وضعیت درباره ما نیز وجود داشته است. تلاش دولت‌های یازدهم و دوازدهم این بود که فشارها از روی مردم برداشته شود. در دولت یازدهم ما شاهد این بودیم به‌رغم فشارها و هجمه‌هایی که به دولت وارد می‌شد کشور به سمت یک تحول اقتصادی مثبت و یک تحرک اجتماعی و سیاسی حرکت کرد. در این مقطع زمانی تنش‌های بین المللی بین ایران و کشورهای دیگر کاهش پیدا کرد و پرونده هسته‌ای پس از سال‌ها به نتیجه رسید که موفقیت مهمی برای کشور به شمار می‌رود. این روند تا انتخابات سال ۱۳۹۶ ادامه پیدا کرد و به همین دلیل مردم با مشارکت بالا در انتخابات مشارکت کردند و با رأی بالایی که به آقای روحانی دادند خواستار تداوم این وضعیت شدند. با این وجود پس از انتخابات ۹۶ شرایط بین المللی به یکباره تغییر پیدا کرد. البته فضای داخلی نیز به شکل عجیبی کمرنگ کرد و پس از چند ماه از انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ جریانی در کشور تحت عنوان «پشمانیم» و با هشتک پشمانیم شکل گرفت. در ماه‌های پایانی سال ۹۶ نیز اتفاقات عجیبی در کشور شکل گرفت که سبب به وجود آمدن شکاف‌هایی در سطح سیاسی و اجتماعی شد. این شکاف‌ها باعث شد که طمع بیگانگان بیشتر شد و فکر کردند می‌توانند روی شکاف‌ها سوار شوی کنند. خروج ترامپ از برجام و مسائلی که با تشدید تحریم‌ها و جنگ اقتصادی به وجود آمد و از همه مهم‌تر لوچ گرفتن جنگ روانی شرایط را بدتر از گذشته کرد. جنگ روانی علیه دولت روحانی از سال ۹۲ آغاز شده بود و فراز و نشیب‌های زیادی داشت. با این وجود در این مقطع زمانی شدت بیشتری پیدا کرد بود در این شرایطی شیوع ویروس کرونا نیز مزید بر علت شد و شرایط را بسیار سخت کرد. این در حالی بود که حوادث طبیعی زیادی مانند سیل و زلزله نیز رخ داد. از سوی دیگر ظهور و افول داعش نیز به عنوان یک چالش منطقه‌ای در همین مقطع زمانی رخ داد به همین دلیل باید عنوان کردم خیلی سختی را پشت سر گذاشتیم و همچه‌های سنگین و زیادی علیه دولت به راه افتاد. با این وجود و به‌رغم همه سختی‌ها و همچه‌هایی که علیه دولت صورت گرفت ما شاهد عملکرد قابل قبولی از سوی دولت آقای روحانی در زمینه‌های مختلف بودیم.

شما از شکاف‌هایی صحبت می‌کنید که در پایان سال ۹۶ در سطح سیاسی و اجتماعی در کشور شکل گرفت. ریشه‌های این شکاف در کجا بود؟

اختلاف سیاسی طبیعی است و در همه کشورها نیز وجود دارد با این وجود هنگامی که این اختلاف نظر به انهام زنی و هجمه تبدیل می‌شود شرایط متفاوت می‌شود. به عنوان مثال برخی مجموعه دولت را به جاسوسی و فساد متهم می‌کردند. روند اتهام زنی‌ها نیز دارای پشتوانه نبود و بیشتر ساختگی بود. این وضعیت شکاف‌هایی را به وجود آورده بود که به برداشت خارجیان این بود که می‌شود از این شکاف‌ها استفاده کرد. هنگامی که اختلاف دیدگاه به جنگ و جنگ روانی تبدیل می‌شود تا دستاوردهای دولت برای مردم ملموس نباشد شرایط تغییر می‌کند. صداوسیما نیز گاه در این زمینه از ظرفیت‌های خود استفاده می‌کرد تا مردم دستاوردهای شیرین دولت را چندان احساس نکنند. واقعیت این است که از مدعیان مسلمانی چنین رفتارهایی بعید بود. در فضای اسلامی و انقلابی این رفتارها نه تنها زیبنده نیست و بلکه ریشه ها را می‌زند. کسانی که مدعی حکم‌رانی ارزشی و اخلاقی و آرمان‌های متعالی هستند نباید چنین رفتارهایی که دولت روحانی بدهند. رفتارهایی که در طول هشت سال گذشته در کمال تعجب اتفاق می‌افتاد. بر اینه این تخریب‌ها و هجمه‌ها نیز ناامیدی مردم وجوانان و مهاجرت است.

> هیچ گاه فکر نمی‌کردم برای تخریب و هجمه علیه دولت آقای روحانی تا به این اندازه خطوط قرمز شکسته شود. این در حالی است که روحانی میدان را خالی نکرد و تلاش کرد از همه توانمندی خود برای حل مشکلات مردم استفاده کند

چرا دولت روحانی با توجه به همچه‌ها و تخریب‌هایی که صورت می‌گرفت و با وجود هشدارهایی که به دولت داده می‌شد، نتوانست از عملکرد خود در پیشگاه افکار عمومی دفاع کند و در عمل به یک دولت بی‌دفاع تبدیل شد که مخالفان به هر شکلی که تمایل داشتند عملکرد آن را تفسیر می‌کردند؟

این موضوع همواره در دولت مطرح بود و اعضای دولت به این نکته معترف بودند که باید برای ضعف تیم رسانه‌ای و بی دفاع بودن دولت در مقابل همچه‌ها راه حل مناسبی اتخاذ شود. با این وجود حجم تخریب‌ها نسبت به دولت بی‌سابقه بود. اگر در شرایط کنونی به تسلط رسانه‌های خارجی روی افکار عمومی دهفت کنیم، متوجه می‌شویم که چنین وضعیتی در گذشته بی‌سابقه بوده است. این یک هشدار برای جامعه است. این وضعیت ناشی از ضعف رسانه ملی و رسانه‌های داخلی است. این شرایط نشان می‌دهد که ما در داخل موفق نشده‌ایم افکار عمومی را به سمت خود جذب کنیم. هنگامی که یک دولت با رأی مردم روی کار آمده و مستقر است نباید رسانه ملی دستاورد‌های دولت را نادیده بگیرد و یا کمرنگ کند. بر اینه چنین وضعیتی خود در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ نشان داد و ما شاهد بودیم که اکثریت مردم تصمیم گرفتند در انتخابات شرکت نکنند. اتفاقی که برای کشور خوشایند نبود.

امروز افکار عمومی جامعه به دنبال پاسخ به این پرسش است که چرا دولت روحانی با آن رأی بالا برای یک بار و شاید مهم‌ترین بار با موانع اصلی تحقق مطالبات مردم برخورد کرد و عوامل تأثیرگذار و غیرباسخگو در مشکلات کشور را به مردم معرفی ننمود. چرا چنین اتفاقی رخ داد؟

در چارچوب قانونی این اتفاق رخ داد و دولت در مقابل این موانع و جریان ها ایستادگی کرد. دلیل اصلی تخریب‌ها و همچه‌های گسترده نیز همین موضوع بود. دولت باید در مقابل مسئولیتی که برعهده می‌گیرد باسخگو باشد. اینکه هر روز مشکلات را برای مردم بازگو کند روش صحیحی نیست. بخشی از واقعیت‌ها را باید برای مردم گفت. با این وجود مردم از دولت انتظار کار و تغییر دارند. مردم می‌دانند رئیس جمهوری که روی کار آمده با درک شرایط و مشکلات آمده و در آینده با چه همچه‌ها و مشکلاتی مواجه خواهد شد. من هیچ گاه فکر نمی‌کردم برای تخریب و هجمه علیه دولت آقای روحانی تا به این اندازه خطوط قرمز شکسته شود. دولت روحانی میدان را خالی نکرد و تلاش کرد از همه توانمندی خود برای حل مشکلات مردم استفاده کند. این در حالی است که این احتمال وجود داشت که اعضای دولت با همچه‌ها و اتهاماتی که متوجه آنها می‌شد در کار خود متوقف شوند و روبه جلو حرکت نکنند. با این وجود چنین اتفاقی رخ نداد و دولت آقای روحانی از همه ظرفیت‌های موجود برای پیشبرد برنامه‌های خود استفاده کرد. حتی ممکن بود گروهی عطای حضور در دولت را به لقای آن ببخشند و در مقابل این همه تهمت و همچه کار خود را ترک کنند. خانواده اعضای دولت نیز در گیر این تخریب‌ها می‌شدند. وظیفه قانونی رئیس جمهور رسیدگی به مشکلات مردم است و نمی‌تواند هرروز مشکلات را برای مردم بیان کند. هر چند معتقدم آقای روحانی در بسیاری از مواقع دلایل مشکلات را برای مردم تشریح کردند. آقای روحانی در خیلی از مسائل در مقابل مواقع ایستادگی کرد تا کار جلو برود و متوقف نشود. هشت سال دولت آقای خاتمی در دولت حضور داشتم اما شرایط دولت آقای روحانی راسخت‌تر و دشوارتر دیدم.

در موضوع برجام برای اولین بار وزرای خارجی ایران و آمریکا مذاکره کردند. آیا فرار بود سطح مذاکرات به روسای جمهور نیز برسد؟ در دورن دولت چه تصمیمی در این زمینه گرفته شده بود؟

در موضوع برجام همه تلاش دولت آقای روحانی این بود که تحریم‌ها برداشته شود. به همین دلیل آقای روحانی اعلام کردند برای برداشته شدن تحریم‌ها و رنج ناشی از آن هر اقدامی لازم باشد انجام می‌دهند. در این زمینه هماهنگی‌های لازم با دستگاه‌های مرتبط و به‌خصوص مقام معظم رهبری داشتند. نکته قابل تأمل این بود که تصمیماتی که بعدها مورد هجمه و تخریب قرار گرفت، تصمیم دولت به تنهایی نبود و بلکه تصمیم نظام بود. مسأله تعجب آور این بود که تیم مذاکره کننده مورد تأیید مقام معظم رهبری بود اما گروهی و از جمله گاندوسازان از پای انهامات سنگین و جدی جلو رفتند. این چند گانگی مشکلاتی را در جامعه و کشور به وجود آورد.

> صداوسیما گاهی از ظرفیت‌های خود استفاده می‌کرد تا مردم دستاوردهای شیرین دولت را چندان احساس نکنند. و اقعیت این است که از مدعیان مسلمانی چنین رفتارهایی بعید بود. در فضای اسلامی و انقلابی این رفتارها نه تنها زیبنده نیست و بلکه ریشه ها را می‌زند

در همان زمان عکسی از شما در اجلاس پاریس در کنار آقای اوباما منتشر شد که گمانه زنی‌ها را برای مذاکره ایران در سطوح بالاتر تقویت می‌کرد. آیا این موضوع صحت داشت؟

این یک عکس گروهی بود که از همه مقام‌هایی که در این نشست شرکت کرده بودند گرفته شده بود. با این وجود زاویه دوربین عکاس به شکلی بود که این نکته را القاء می‌کرد که گویا نزدیکی محل ایستادن ما به شکلی است که مواضع دو کشور به هم نزدیک شده است. در این نشست دیداری بین من و آقای اوباما صورت نگرفت و همه دیدارهای من با وزرای محیط زیست کشورها بود و تنها در همان عکس این وضعیت مشاهده می‌شود.

> تجربه تاریخی نشان داده که قدرت‌های یکدست بدون مشارکت مردم موفق نبوده‌اند. به‌نظر می‌رسد دولت جدید نیز متوجه این موضوع بوده و به همین دلیل تلاش خود را به سمت کسانی معطوف کرده که ادعاهای آنها را درباره مدیریت کشور جویا شود

دیدگاه شما درباره شرایط به‌وجود آمده در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ چیست؟ آیا یکدست شدن قدرت در شرایط کنونی برای کشور فرصت است؟

جریانی که در هشت سال گذشته ادعاها و نقدهای زیادی به دولت آقای روحانی وارد می‌کردند امروز فرصت پیدا کرده‌اند که ادعاهای خود را ثابت کنند. تجربه تاریخی نشان داده که قدرت‌های یکدست بدون مشارکت مردم موفق نبوده‌اند. به نظر می‌رسد دولت جدید نیز متوجه این موضوع بوده و به همین دلیل تلاش کرد تا با منتقدان نسبت بگیرد و دیدگاه‌های آنها را درباره مدیریت کشور جویا شود. اما این کافی نیست و باید مجموعه نظرها در نظر گرفته شود. امروز ۴۳ سال از انقلاب اسلامی گذشته و افراد زیادی تجربه‌های گرانبهایی به دست آورده‌اند. ما باید در پله چهل و سوم قرار بگیریم و نه پله اول. به همین دلیل بهره بردن از این تجربیات لازم و ضروری است. در نتیجه یکدستی نمی‌تواند در همه شرایط مطلوب باشد و باید تکثر و تنوع دیدگاه در مدیریت کشور وجود داشته باشد. نگرانی‌ها نسبت به آینده کم نیست اما باید به دولت جدید فرصت داد تا برنامه‌های خود را اجرایی کند. قدر شما هیچ بهانه‌ای برای جریانی که با دولت آقای روحانی مخالفت می‌کرد، وجود ندارد و همه زمینه‌های برای انها فراهم است. از سوی دیگر جریان اصلاحات و اعتدال تخریب و هجمه را برعلیه دولت مستقر دنبال نخواهد کرد. نقد و انتقاد وجود دارد اما تخریب و اتهام وجود نخواهد داشت. صداوسیما نیز در کنار دولت جدید قرار دارد. شرایط کرونا نیز بهبود پیدا کرده است. توافق با آژانس نیز صورت گرفته و ما امیدواریم مذاکرات هسته‌ای نیز در این دولت به نتیجه برسد. مهم نیست چگونه گره باز می‌شود و بلکه مهم این است که گره باز شود.

تحلیل شما از رفتارشناسی اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۰ و پس از آن چیست؟ در شرایط کنونی که جریان اصلاحات در چه رویکردی در پیش بگیرد؟

دولت آقای روحانی دولت اعتدال و برآمده از ائتلاف اصلاح‌طلبان و اصولگرایان بود. بقیه قوا در اختیار اصولگرایان قرار داشت. در چنین شرایطی باید وضعیت جریان اصلاحات را بررسی کنیم. امروز اصلاح‌طلبان به‌صورت مطلق در حاکمیت حضور ندارند. این وضعیت را مناسب برای کشور نمی‌دانم و معتقدم از توانایی‌های نیروهای دلسوز و توانمند زیادی محروم شده‌اند. هنگامی که افراد انتخاب شده برای مدیریت کشور را با افراد گذشته مقایسه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که تفاوت‌های زیادی در این زمینه وجود دارد. این وضعیت به نفع کشور نخواهد بود. اینکه ما از یک جریان سیاسی به یک دیگر اختلاف دیدگاهی که وجود دارد به صورت کلی استفاده نکنیم، به منافع ملی آسیب خواهد زد. نگرانی دیگر ما این است که احتمال دارد زنان از چرخه مدیریت کشور حذف شوند. امروز در حدود ۴۱ درصد کارکنان دولت زنان هستند. در ابتدای دولت یازدهم در حدود ۵ درصد از مدیران دولت را زنان تشکیل می‌دادند که امروز به ۲۵ درصد رسیده است. فکر می‌کنم در آینده پایگاه اصلاح‌طلبان در بین مردم قوی‌تر خواهد شد. مردم متوجه این نکته هستند که نارسایی‌هایی که در جریان‌های دیگر وجود دارد، در جریان اصلاحات کمتر مشاهده می‌شود. ارتباط با مردم و بیان مطالبات اساسی انها باید مهم‌ترین رویکرد جریان اصلاحات باشد. هر چه جریان اصلاحات به دغدغه‌ها و مطالبات مردم بیشتر نزدیک شود، به همان اندازه می‌تواند از تأثیرگذاری بیشتری در مناسبات سیاسی و اجتماعی برخوردار باشد.

> تجربه تاریخی نشان داده که قدرت‌های یکدست بدون مشارکت مردم موفق نبوده‌اند. به‌نظر می‌رسد دولت جدید نیز متوجه این موضوع بوده و به همین دلیل تلاش خود را به سمت کسانی معطوف کرده که ادعاهای آنها را درباره مدیریت کشور جویا شود

یادداشت

تشدید فشارها بر ایران در پرتو گزارش آژانس

فاطمه تکولمل آزاد
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

دور ششم مذاکرات وین برای احیای برجام در پایان دولت حسن روحانی انجام شد که به نتیجه نهایی منجر نشد. باروی کار آمدن دولت آقای رئیسی، یکی از انتظارات کشورهای غربی این بود که دولت وی هرچه سریع‌تر زمان آغاز دور هفتم مذاکرات را تعیین کند. از آنجایی که کابینه دولت جدید اوایل شهریور مشخص شد، انتظار یادشده شدت پیدا کرد؛ اما با دنبال موضع گیری وزیر امور خارجه جدید ایران مبنی بر طول کشیدن دو تا سه‌ماهه استقرار دولت جدید در ایران و آمادگی برای از سرگیری دور هفتم مذاکرات هسته‌ای در وین، مقامات کشورهای غربی واکنش نشان دادند و فشارها به ایران را برای آغاز دور هفتم مذاکرات احیای برجام را آغاز کردند. آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا در گفت وگو با همتایان اروپایی خود اعلام کرده که آمریکا در حال نزدیک شدن به نقطه‌ای است که دیگر احیای برجام سودمند نیست. وزرای امور خارجه فرانسه و آلمان در گفت وگوهای تلفنی با وزیر امور خارجه ایران خواهان از سرگیری مذاکرات هسته‌ای توسط ایران در اسرع وقت شدند. رابرت مالی نماینده ویژه ایالات‌متحده به‌صراحت اعلام کرد که آمریکا تا ابد منتظر ایران برای آغاز مذاکرات نمی‌ماند. اما آنچه فشارها را شدت بخشید گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بود. آژانس در ۷ سپتامبر گزارش دوره‌ای خود از فعالیت‌های هسته‌ای ایران را منتشر کرد. آژانس در گزارش خود مدعی شده که دسترسی های نظارتی آژانس، در اثر اجرای قانون مجلس و تعلیق اجرای پروتکل الحاقی توسط ایران محدودشده است. این ادعای آژانس بین المللی انرژی اتمی بدین معنی است که این نهاد نمی تواند انحراف احتمالی برنامه هسته‌ای ایران به سمت برنامه نظامی را به‌موقع گزارش کند. در واقع گزارش آژانس همچنین گویای پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران بود که به باور تحلیلگران زمان گریز هسته‌ای را به زیر یک سال کاهش داده است. این پیشرفت ها حتی موجب نگرانی روسیه شده است. رزیم صهیونیستی نیز به صورتی همه جانبه به بهره برداری از گزارش آژانس بین المللی انرژی اتمی پرداخته و خواهان اقدامات فوری علیه ایران شده است. در گزارش ۷ سپتامبر، آژانس نگرانی خود از سه موضوع نصب سانتریفیوژهای پیشرفته توسط ایران، غنی‌سازی اورانیوم ۶۰ درصد و تولید فلز صنعتی را برجسته کرده است. بر مبنای گزارش اخیر آژانس، کشورهای غربی به دنبال آن هستند که در نشست ماه جاری شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، بیانیه یا قطعنامه‌ای انتقادی در محکومیت اقدامات ایران و از سر نگرفتن دوباره مذاکرات هسته‌ای صادر کنند. رئیس‌جمهوری ایران اقدام احتمالی آژانس را مخل مذاکرات دانسته است اما باید گفت درصورتی که شورای حکام قطعنامه‌ای علیه ایران صادر کند نه‌تنها می‌تواند مقدمه اقدامات بعدی و تصویب قطعنامه از احاج دوباره پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل باشد بلکه شوک ملی که تواند فرایند احیای برجام را نیز دشوار و پیچیده کند. علاوه بر این، چون پیشتر مقامات آمریکایی اعلام کرده بودند که برجام در صورتی مفید است که تا ماه اکتبر احیا شود، طبیعی است که اعمال فشارهای سیاسی به ایران برای اعلام زمان مذاکرات دور هفتم بیشتر شود و در روزها و هفته‌های آتی مواضع بیشتری دراین‌باره توسط مقامات غربی اتخاذ شود. باید به این نکته نیز توجه کرد که غرب در کنار اینکه برای آغاز دور هفتم مذاکرات به ایران فشار می آورد، به نظر می رسد در حال زمینه سازی برای احتمال شکست مذاکرات نیز هست. گاردین به نقل از مقامات کاخ سفید مدعی شده که دولت آمریکا در حال آماده سازی بیانیه‌ای است که ایران را مسئول شکست مذاکرات وین می‌داند. لذا اصرار برای احیای برجام در اسرع وقت و صدور بیانیه احتمالی در نشست پیش روی شورای حکام علیه ایران می‌تواند مقدمه صدور قطعنامه در نشست‌های بعدی و زمینه‌سازی برای معرفی کردن ایران به‌عنوان مسئول شکست مذاکرات باشد.

نگاه

نظارت راه مقابله با انحراف مالی

احمد حاتمی‌یزد
تحلیلگر مسائل مالی و بانکی

آنچه باعث می‌شود تسهیلات در نظام‌بانکی کشور به عاملی برای فساد تبدیل شود استفاده ازرجحیت روابط در مقابل ضوابط است به‌گونه‌ای که ضوابط از قدرت لازم برای کنترل مسیر تسهیلات و جلوگیری از انحراف در مصارف وام‌های دریافتی در اهداف و پروژه‌های اعلام شده را ندارد. بنابراین فارغ از اینکه کسری بودجه و مشکلات تورمی ناشی از خلق پول و رشد نقدینگی عامل اصلی در شکل‌گیری انحرافات مالی است و تا زمانی که هماگام با اصلاح سیاست‌های ارزی، اصلاح نظام بانکی نیز صورت نگیرد، نمی‌توان انتظار داشت اقدامات و تصمیمات کوتاه‌مدت قادر به تغییرات کلی باشند! ما در این بین به نظر می‌رسد تا تحقق اصلاحات، افزایش نظارت مهم‌ترین رویکردی است که حداقل از هدررفت منابع جلوگیری خواهد کرد. در این رابطه باید توجه داشت در شرایطی که حوزه ممسکن سالانه رشد بیش از ۱۰۰درصدی را تجربه می‌کند، سودآوری و حرکت سرمایه به این حوزه تردیدپذیر است بنابراین به نظر می‌رسد استفاده از ظرفیت شرکت‌های مشاور در زمینه اعتبارسنجی و مالی پتانسیلی است که از سوی سیستم بانکی مغفول مانده است. دروافع بالغ بر ۲۰۰ شرکت مشاور در این زمینه فعالیت دارند که بررسی و تایید سودآوری و برخورداری از توجیه اقتصادی طرح‌ها و پروژه‌ها مهم‌ترین رویکرد آنها را تشکیل می‌دهد. البته استفاده ازاین شرکت‌ها قطعا هزینه‌ای را در پی خواهد داشت که اگرچه چندان قابل توجه نیست و از متقاضی تسهیلات دریافت می‌شود اما در مقایسه با رانتی که از محل اختلاف نرخ سود تسهیلات و نرخ تورم به وام گیرنده تعلق می گیرد بازهم دریافت تسهیلات را توجیه‌پذیر می‌کند. از سوی دیگر این شرکت‌ها با نظارت دائمی و دوره‌ای از روند پیشرفت پروژه‌ها به سیستم بانکی، در کنترل و جلوگیری از انحراف تسهیلات کمک خواهند کرد.

سازمان همکاری‌های شانگهای در یک نگاه

ایران در بیست یکمین نشست سران کشورهای عضو شانگهای در شهر دوشنبه تاجیکستان، با موافقت همه اعضاء، نهمین عضو دائم این سازمان شد. سازمان همکاری شانگهای در حال حاضر از ۹ عضو شامل چین، هند، قزاقستان، قرقیزستان، پاکستان، روسیه، تاجیکستان، ازبکستان و ایران تشکیل شده است و افغانستان، مغولستان و بلاروس اعضای ناظر این سازمان هستند. این سازمان با هدف مبارزه با تهدیدهای امنیتی جدید و با گردهمایی سران کشورهای روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان در سال ۱۹۹۶ در شهر شانگهای تحت عنوان گروه «شانگهای ۵» پا به عرصه ظهور گذاشت.

اعضای اصلی
چین
روسیه
قزاقستان
قرقیزستان
تاجیکستان
ازبکستان
پاکستان
هند
ایران
شرکای گفت و گو
ارمنستان
جمهوری آذربایجان
کامبوج
نپال
ترکیه
سری‌لانکا
ناظران
مغولستان
افغانستان
بلاروس
۲۰۲۱
ایران با توافق کشورهای عضو به عنوان عضو اصلی این سازمان پذیرفته شد
۱۹۹۶
سازمان همکاری شانگهای از دل رقابت قدرت‌های بزرگ برسر منطقه ژئوپلیتیک آسیای میانه ظهور کرد
هدف اولیه تأسیس این سازمان، غیرنظامی کردن مرز بین چین و شوروی بود
اهداف سازمان
۱ توسعه همکاری سیاسی، اقتصادی
۲ تقویت اعتماد و حسن همجواری
۳ حفظ ثبات در کشورهای عضو
۴ حفظ صلح، امنیت و ثبات در منطقه
۵ مقابله با تروریسم، قاچاق انسان و مواد
اهمیت سازمان
۱ بیشترین تولید کننده و مصرف کننده انرژی در جهان
۲ بزرگترین سازمان منطقه‌ای
۳ نقش موازنه در مقابل پیمان ناتو
۴ دارا بودن ۴۰ درصد کل جمعیت دنیا
۵ دارای حدود ۲۵ درصد تولید ناخالص ملی دنیا
۳۷ میلیون کیلومتر مربع
مجموع مساحت کشورهای عضو (اصلی و ناظر) سازمان
۳۵ درصد
سطح خشکی‌های زمین متعلق به کشورهای